

بایگاه تبیینی  
و تحلیلی جریان شناسی

دیدبان

www.Didban.ir



# مصر

جریان شناسی مخالفان شیعیان در مصر  
مصر در گرداب خشونت  
شخصیت محمد مرسی و دوگانگی هایش

پایگاه تبیینی  
و تحلیلی جریان شناسی  
[www.Didban.ir](http://www.Didban.ir)



مطالب این بولتن صرفاً جهت اطلاع  
رسانی بوده و نقل از آن با ذکر  
منبع مجاز می باشد.

الجمهورية  
البحرينية

A stylized calligraphic logo in black, featuring a central horizontal stroke with decorative flourishes at both ends. Above the left flourish, the words 'الجمهورية' and 'البحرينية' are written in white Arabic script. A vertical dashed white line extends from the top of the page down to the top of the logo.

## جریان‌شناسی مخالفان شیعیان در مصر نگاهی به یکی از مهم‌ترین مساله دولت آینده مصر

ژانویه مصر، نیروها و جریان‌هایی - به طور مشخص چهار جریان سلفی، اخوان المسلمین، جماعت اسلامی و سلفی‌های جهادی- که در جهت مقابله با امواج شیعی در مصر فعالیت می‌کنند، معرفی و دیدگاه‌ها و انگیزه هر یک از این گروه‌ها درباره شیعیان را بیان نماید. تا به این شکل تهدیدات احتمالی برای شیعیان در عرصه اجتماعی مصر خصوصا در دولت آینده روشن گردد. ناگفته پیداست که نیروهای خارجی بویژه رژیم صهیونیستی، آمریکا، عربستان و قطر در دامن زدن به اختلافات سنی و شیعه در جهان اسلام به طور کل و مصر بطور خاص، بویژه پس از ناتوانی آنان در سرنگونی بشار اسد نقش مهم و تاثیرگذاری دارند که بررسی آن نیازمند پژوهش مجزایی است.

### ۱- وضعیت شیعیان مصر قبل از انقلاب

در نظام مبارک شیعیان تحت فشار شدید نظام حاکم و نیروهای امنیتی قرار داشتند. دولت مصر ادعای مدارای مذهبی داشت اما شیعیان را تحت فشار شدید قرار می‌داد. شیعیان مصری باید در طول زندگی احتیاط می‌کردند و هیچگاه به عضو احزاب سیاسی در نمی‌آمدند یا عقایدشان را مطرح نمی‌کردند. مبارک، شیعیان را کافر، خیانتکار و مزدور ایران و حزب الله



www.Didban.ir • Info@didban.ir

●●● شهادت مظلومانه حسن شحاته؛ که پس از شهادت پیکر پاک او را بر زمین کشیدند و در خیابان‌ها گرداندند

دولتی که در آینده ای نزدیک در مصر خواهد آمد که برخواسته کودتای نرم ارتش علیه مرسسی بود یکی از مواردی را که باید روشن نماید مساله شیعیان و تعامل با آنان است. این در حالی است که شهادت فجیع و دردآور حسن شحاته رهبر شیعی مصر و سه تن از همراهان وی پرسش‌هایی را به ذهن متبادر می‌سازد: چه جریان‌ها و گروه‌هایی از گسترش تشیع در مصر وحشت دارند؟ عاملان چنین جنایت‌هایی چه کسانی هستند؟ انگیزه آنان در مقابله با تشیع چیست؟ چه کسانی از این اقدامات سود می‌برند؟ و سوالاتی از این دست که لازم می‌گرداند تا دولت آینده نگاه خود را به شیعیان واضح و روشن بیان نماید نوشتار حاضر تلاش می‌کند تا ضمن بیان وضعیت شیعیان قبل و پس از انقلاب ۲۵

بوئزه پس از پیروزی حزب الله لبنان در جنگ ۳۳ روزه بر ارتش رژیم صهیونیستی روز به روز بر آمار آنان در مصر افزوده شده است اما بسیاری از آنها با توجه به جو پلیسی حاکم ترجیح دادند که تقیه کرده و آیین خود را بروز ندهند.

## ۲- وضعیت شیعیان مصر پس از انقلاب

پس از انقلاب مردم مصر علیه حکومت خود کامه مبارک شیعیان به مانند بسیاری از گروه‌های سرکوب شده دیگر، حضور پررنگی در عرصه سیاسی و اجتماعی پیدا کردند. حضور پیش از بیش شیعیان در عرصه‌های مختلف مصر نتیجه طبیعی انقلاب ۲۵ مردم مصر است این تنها به شیعیان محدود نمی‌شد و همه جریان‌ها و طیف‌های ملت مصر نقش سیاسی خود را پس از انقلاب دنبال کردند. سرنگونی استبداد و حاکم شدن آزادی نسبی باعث شد که جنبش «اتحادیه جوانان ماسپیرو» از سوی قبطی‌های مصر یا جنبش‌هایی مانند «جنبش النوبه» و جنبش «فرزندان سیناء»، حزب «نور» سلفی‌ها



می‌دانست و معتقد بود که شیعیان پیرو ایران و نه کشورهای خود هستند و به همین دلیل نسبت به آنان همواره تبعیضاتی قائل می‌شد. در زمان مبارک، شیعیان در مصر از انجام مراسم‌های خود منع شده و مدام به اتهامات واهی از جمله تلاش برای برهم زدن امنیت ملی، همکاری با گروه‌های فلسطینی و تلاش برای تشکیل سازمان‌ها و تشکلات شیعی در مصر بازداشت و زندانی می‌شدند.

قبل از انقلاب مصر مشکل بین دولت و شیعیان این کشور عمدتاً سیاسی بود اما بعضاً رنگ و بوی دینی هم به خود می‌گرفت. به گونه‌ای که مبارک با همکاری نظام سعودی برای مقابله با موج تشیع زمینه را برای انتشار گسترده سلفیه همواره نمود. در این دوره برپایی هرگونه مجلس عزای حسینی در مصر و توزیع و چاپ کتاب‌های شیعی در مصر ممنوع بود. نظام حاکم هیچ‌گاه آمار دقیقی از شمار شیعیان ارائه نمی‌داد. اما بر اساس گزارش آزادی‌های دینی که وزارت امور خارجه آمریکا در سال ۲۰۰۶ منتشر کرد، شیعیان یک درصد از ۷۴ میلیون نفر جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند. محمد الدرینی رئیس مجلس اعلی‌اهل بیت می‌گوید که تعداد شیعیان مصر بالغ بر دو میلیون نفر هستند. وی می‌گوید: «در حکومت مبارک و در بازجویی‌ها به این نتیجه رسیدیم که دستگاه امنیتی مبارک معتقد است شمار شیعیان مصر، میلیونی است ولی در گروه‌های صوفی خود را پنهان کرده‌اند» [۹]. اکثر شیعیان مصر را شخصیت‌های علمی و فرهنگی تشکیل می‌دهند که

● تبلیغت ضد شیعی سلفی‌ها در مصر



مصر، مشکل عمده بین دولت و شیعیان این کشور، سیاسی بود ولی پس از انقلاب، این موضوع به مسئله‌ای دینی تبدیل شده است و سلفی‌های تندرو سعی می‌کنند تا پیروان تشیع را از صحنه اجتماعی دور نگه دارند. در همین راستا هر چند که اکثر گروه‌های مصری پس از انقلاب با تأسیس انجمن و حزب خود را سازماندهی کرده‌اند اما جریان شیعی مصر تاکنون به دلیل مخالفت گروه‌های افراطی موفق به دریافت مجوز فعالیت نشده است.

در دوران پس از انقلاب علی‌رغم گسترش عمومی آزادی‌ها اما شیعیان همچنان از سوی گروه‌های تندروی سلفی در فشار و تنگنا قرار دارند. یکی از شیعیان می‌گوید: «وقتی مردم متوجه می‌شوند که شیعه شده‌ایم، ما را تحریم می‌کنند و در مناطق روستایی، از شیعیان نه چیزی می‌خرند و نه چیزی به آنها می‌فروشند[۲]». طی دو سال گذشته، چندین نفر از شیعیان مصری از سوی دادگاه‌های این کشور تحت پیگرد قضایی قرار گرفته‌اند در ماه جولای گذشته، دادگاهی در کفر الزیات معلمی را به اتهام آلوده کردن مسجد به سه سال زندان محکوم کرد. علت صدور این حکم، نماز خواندن این فرد به شیوه شیعیان در داخل یکی از مساجد اعلام شد. در ماه ژانویه گذشته، دادگاهی

و یا حزب «الحرية و العداة» اخوان المسلمین و ده‌ها حزب و انجمن دیگر تأسیس شود. سقوط حسنی مبارک باعث نمودار شدن عقاید شیعیان در این کشور شد و شیعیان رفته رفته توانستند با یکدیگر ارتباط برقرار کرده و عباداتی را که تاکنون به صورت مخفیانه انجام می‌دادند، به صورت عمومی در کنار یکدیگر انجام دهند. امروزه پس از سرنگونی رژیم مبارک شیعیان جمعه‌ها در مقام امام حسین (ع) در قاهره برای آشنا شدن با یکدیگر گرد هم می‌آیند و آزادانه اعتقادات خود را بیان می‌کنند. حتی شیعیان با حضور شیخ علی کورانی روحانی برجسته شیعی اولین حسینیه این کشور را رسماً افتتاح کردند.

هر چند که استبداد مبارک از بین رفت اما گویی استبداد دیگری از نوع دینی در حال ظهور در مصر است. شیعیان که خواستند آزادانه اعتقادات خود را داشته باشند و اعمال خود را انجام دهند با هجمه سنگین گروه‌های افراطی روبه رو شدند. اگر قبل از انقلاب

### ۳-۱- سلفی‌ها

سلفی‌ها تمایل دارند تا با اطلاق نام «سلفیه» خود را از دیگران برتر بدانند حال آنکه اصطلاح «سلفی» اصطلاح عامی است که حتی شیعیان را نیز در بر می‌گیرد زیرا هر کس که به پیروی از گذشتگان معتقد باشد، سلفی به شمار می‌رود. آنها به افکار نادری ایمان دارند که هیچ ارتباطی با اسلام واقعی ندارد.

سلفی‌های تکفیری در مصر - اگر با تسامح عنوان متعارف سلفی را برای اینان به کار ببریم - همانند سایر کشورها یک جریان واحد نیستند، بلکه میان سلفی‌ها به لحاظ اعتقادی و فقهی و نیز موضع‌گیری نسبت به تحولات سیاسی و یا سایر جریان‌های دینی و غیردینی اختلافاتی وجود دارد. [۴] اگر میان جریان‌های گوناگون سلفی درباره مشارکت سیاسی، اطاعت یا عدم اطاعت از ولی امر و یا نوع نگاه به غرب و رژیم صهیونیستی و

اداری در قنا واقع در جنوب مصر، یک معلم را به اتهام تبلیغ تشیع ۶ ماه از کار تعلیق کرد. یکی از همین معلم‌ها که اکنون آزاد شده است می‌گوید: «پس از گذراندن دوران محکومیت، وقتی از زندان آزاد شدم، مردم روستایی که در آن زندگی می‌کنم، مرا از روستا اخراج کردند. بسیاری از شیعیان مصری از ترس برخوردهای تبعیض آمیز ترجیح می‌دهند خود را صوفی معرفی کنند.» [۳]

در مجموع می‌توان گفت شیعیان مصر که از انقلابیون این کشور به حساب می‌آیند و در براندازی حکومت دیکتاتوری مبارک نقش فعال و چشمگیری داشتند، تاکنون نتوانسته‌اند از ثمرات انقلاب خود بهره‌ای ببرند. اما عده‌ای چون سلفی‌ها که اساساً هیچ‌گونه نقشی در انقلاب نداشتند و خروج علیه ولی امر و حاکم را رد می‌کردند، انقلاب را به نفع خود مصادره کرده و به تکفیر انقلابیون واقعی می‌پردازند.

### ۳- نیروهای داخلی

حال باید به این پرسش پاسخ داد که چه جریان‌ها و نیروهای داخلی از گسترش تشیع در مصر هراس دارند که آنها را می‌توان به چهار جریان عمده سلفی‌ها (غیر جهادی)، اخوان المسلمین، جماعت اسلامی و سلفی‌های جهادی تقسیم کرد:



www.Didban.ir Info@didban.ir

● دعوت سلفی‌ها برای برگزاری کنفرانس علیه شیعیان با حضور رهبران این جریان

**تدعوکم الدعوة السلفية لحضور المؤتمر الجماهيري الحاشد  
عن خطر المد الشيوعي في مصر بحضور مجموعة من علماء الأمة :**

**الشيخ الدكتور / محمد اسماعيل المقدم .**  
**الشيخ الدكتور / ياسر برهامي**  
**الشيخ الدكتور / أحمد فريد**  
**الشيخ الدكتور / يوسف مخيون**

**وذلك بعد صلاة العشاء يوم الخميس الموافق ١٤ / ٣ / ٢٠١٢  
بمسجد عمرو ابن العاص بالقاهرة**

**www.Didban.ir • Info@didban.ir**

پس از انقلاب اخیر در مصر موج وهابی‌گری و سلفی‌گری گسترش فراوانی داشته است و حتی به اعتراف منابع مصری عربستان سعودی سرمایه‌گذاری فراوانی برای گسترش وهابیت در مصر انجام داده است. حضور وهابیون موجب بحران و تندروی در مصر شده است که پیش از این مصر هرگز به چشم خود ندیده بود. حمله چند ماه پیش سلفی‌ها و وهابیون به دفتر حفظ منافع ایران در مصر، حمله به برگزارکنندگان مراسم عاشورا در این کشور، بحران حسینیه‌ها در مصر، برگزاری کنفرانس‌های متعدد ضد شیعی و ... از جمله نمونه‌های شدت گرفتن حملات این گروه به شیعیان در مصر است. اوج این تحركات در حادثه شهادت حسن شحاته و یاران وی یک روز قبل از نیمه شعبان متجلی شد که قبل از آن در همایش «موضع علمای اسلامی درباره مسئله سوریه» و همچنین همایش «یاری سوریه» با حضور رئیس‌جمهور مصر زمینه برای وقوع چنین جنایتی مهیا شده بود.

مسائلی از این دست اختلاف نظر وجود داشته باشد، اما در یک مسأله با یکدیگر اشتراک نظر دارند و آن بدبینی و تکفیر شیعیان و ضروت مقابله همه‌جانبه با آنان است. انقلاب مردمی مصر گرچه این کشور را از رژیم دیکتاتوری حسنی مبارک رهایی داد و فصل جدیدی از مشارکت مردم در عرصه تصمیم‌گیری سیاسی در این کشور گشود اما در مسیر تحولات پس از انقلاب، روندهایی به راه افتاد که بدون تردید آنها را می‌توان در زمره آسیب‌های انقلاب مصر دانست. شاید اصلی‌ترین و مهمترین این آسیب‌ها، افزایش تحركات گروه‌های افراطی و تکفیری سلفی، کاهش رواداری دینی و مذهبی و افزایش قابل توجه تعدی به حقوق اقلیت‌هاست و این تنها شیعیان مصری نیستند که زیر فشار فعالیت گروه‌های تکفیری قرار دارند. مسیحیان قبطی مصر نیز طی دو سال اخیر بارها متحمل فشار و تعدی به حقوق خود از سوی جریان‌های افراطی سلفی شده‌اند.



در این اماکن می نمایند!!» رهبران سلفی همواره به مرسی تذکر می دهند که «هرکسی در کشور اسلامی حکومت را برعهده بگیرد مأموریت اصلی وی حفظ دین است و نه ائتلاف و تسامح و تساهل با کسانی که تلاش می کنند کشور را از درون ویران کنند» [۶] به زعم سلفی ها اگر حکومت حسنی مبارک یک امتیاز داشت این بود که چه در مصر و چه در جهان عرب در کمین شیعیان نشست و مانع از فعالیت آنان شد. حتی برخی از سلفی ها مدعی اند که «هسته های ایرانی با آزادی کمال در صحرای سیناء فعالیت می کنند و احتمالاً همین ها در قتل سربازان مصری در مرزهای این کشور در سال گذشته دست داشته اند» [۷] اساساً اینها دشمن اصلی مصر را نه رژیم صهیونیستی بلکه شیعیان وابسته به ایران

ظهور سلفی گری در مصر باعث شد که متأسفانه افکار عمومی این کشور، از تبلیغات منفی سلفی ها ضد شیعیان تاثیر بگیرد. سلفی ها از مدت ها پیش با توزیع و چاپ کتاب ها، نشریات و مجلات و نیز برگزاری همایش ها، سخنرانی ها و پخش برنامه های ماهواره ای علیه شیعیان نسبت به خطر تشیع و تلاش شیعیان برای گسترش مذهب خود هشدار داده و برقراری هرگونه رابطه با ایران را رد می کنند.

شیعیان مصر همچنان در حصراری از عزلت و ظلم زندگی می کنند و امروز تکفیری های و هابی آنها را از بالای منابر خود به کفر و خیانت متهم می کنند. وقتی اظهارات رهبران سلفی را تجزیه و تحلیل می کنیم به این نتیجه می رسیم که آنان حتی حاضر نیستند وجود شیعیان را تحمل کنند و علناً اعلام می کنند

که خون شیعیان مباح است. یکی از شیعیان مصری در این باره می گوید: «من همیشه دهانم را می بندم اما گویی آنها حتی حضور ما در این جامعه را بر نمی تابند» [۵] تکفیری ها مدعی هستند که «شیعیان به جای عبادت در مساجد، در حسینیه ها به اموری که شرک محسوب می شود می پردازند. آنها علاوه بر کارهای مشرکانه در رابطه با اهل بیت (ع) اقدام به برگزاری مجالس رقص و آواز



● شیخ احمد فرید از رهبران سلفی؛ سلفی‌ها سعی رقیع در برابر توطئه‌های ایران هستند

## ندوة بالشرقية عن خطر المد الشيوعي

# الشيخ أحمد فرید: السلفيون سد منيع أمام مخططات إيران

**الشرقية - علي منصور**

نظمت ندوة السلفية بالشرقية بالتعاون مع معهد القرآن بمدينة المدينة المنورة بتاريخ الجمعة الماضية ندوة جماهيرية لتطبيق التوجيه المتفق عليه من خطب عبد النبي في مصر بحضور الشيخ الدكتور إبراهيم بركات (رئيس الندوة السلفية بالشرقية).

بدأت الندوة بكلمة الدكتور إبراهيم بركات رحب فيها بالحضور ووصفهم بفرسان الدعوة والبيان الأمر لم يعد ملتصقا على قلب العبد وإنما الجهاد والدعوة والمناصرة في سبيل تطبيق شرع الله والتعليم المناس بينهم وعقيدتهم، فقد ظهر من محارب دين الله والمؤمنين به إذا وجب على السلفي أن يعيش حياته كلها في خدمة دين الله، وألا بد من تصفية النفوس من نرى المناسي والأمرات الكفيرة فإن ينضار الأمران سبيل تطبيق الأوامر والجموع التي يفرضها الله سبحانه وتعالى من بيان الجهاد مع الكفر والفساد والرجس والفساد والتأديب العادلة الصالحة حتى لا يفلتوا أزمة الأمن والاعتدال والأمن من الشيعة خاصة بعد فتح باب الندوة السلفية على مصراعيها في مصر على يد من ينتسب للدعوة.

ثم تحدث الدكتور أحمد فرید عن خطر الشيعة واعتذر عن عدم الحديث في السيرة النبوية كما كان

بعد لعارسة سيرة النبي صلى الله عليه وسلم، وإنما مستندت لأن من خطر الشيعة وما حدث من تقارب معهم من جانب الإخوان لأن الأمر خطير ولا يحتمل التسكت.

أكد فرید في كلمته خطر المد الشيوعي، وأشار إلى أن خطر الشيعة في مصر على يد من ينتسب للدعوة، وما حدث من تقارب معهم من جانب الإخوان لأن الأمر خطير ولا يحتمل التسكت.

أكد فرید في كلمته خطر المد الشيوعي، وأشار إلى أن خطر الشيعة في مصر على يد من ينتسب للدعوة، وما حدث من تقارب معهم من جانب الإخوان لأن الأمر خطير ولا يحتمل التسكت.



www.Didban.ir • Info@didban.ir

فروعاً وابتدعوا ما يشبهون حال آتكمه می گویند ما با شیعیان نه فقط در فروع دین بلکه در اصول دین هم اختلاف داریم، لذا وحدتی متصور نیست.

سلفی‌ها به ایران به عنوان کشوری نگاه می کنند که دنبال صدور اندیشه تشیع به جهان است، لذا باید با این کشور مقابله نمود. یسری حماد یکی از رهبران سلفی می گوید: «ایران دولتی اعتقادی است که تلاش می کند تا مذهب شیعی را به مصر صادر کند و همگان باید بدانند که شیعیان بیش از آنکه از دشمنان اسلام نفرت داشته باشند از اهل سنت و جماعت نفرت دارند. و تمامی کشورهای با ایران همکاری کرده‌اند از جمله بحرین و عراق و لبنان شاهد گرفتاری و مصیبت هستند... اصلی ترین هدف شیعیان مصر است، چرا که مصر رهبر جهان عرب و رهبر اهل سنت و جماعت است... همچنین جزو عقاید شیعه است که مهدی منتظر ظهور نمی کند مگر آنکه مصر زیر سلطه ایران قرار گیرد!!» [۸]

می دانند و این اظهارات درباره قتل سربازان مصری که رژیم صهیونیستی عامل کشتن آنان بوده است، گویای همین واقعیت است.

سلفی‌ها مدعی اند شیعیان تمامی صحابه جز هفت نفر و در روایت دیگر چهار نفر از آنان را کافر می دانند و این مخالف قرآن است؛ این در حالی است که برخلاف ادعای سلفی‌ها هیچ گاه در قرآن صحابه بودن ملاک برتری نبوده است. همچنین می گویند شیعیان عایشه را تکفیر می کند و ازدواج متعه را علی رغم اجماع امت بر تحریم آن حلال می دارند. آنها همچنین شیعیان را به تحریف قرآن و شرک ورزیدن به خداوند متهم می کنند. حتی گروه های وهابی مصر اخیراً در تازه ترین اقدام، عبارت «لا فتی الا علی و لا سیف الا ذوالفقار» را به «لا نبی الا علی» تغییر داده تا چنین وانمود کنند که شیعیان، امام علی(ع) را پیامبر خود می دانند.

سلفی‌ها اساساً قائل به وحدت نیستند، آنها وحدت را در صورتی میان مسلمانان جایز می دانند که اختلاف در

از آنان را واجب می‌دانند، رسوا کرده و مردم را به قیام علیه ظلم و طغیان فرا می‌خواند و این چیزی است که این جماعت از آن وحشت دارند» [۱۰] و شاید یکی از دلایل اصلی حمایت‌های مالی و تبلیغاتی و رسانه‌ای عربستان سعودی از سلفی‌های مصری ناشی از همین ترس و اضطراب است.

### ۳-۲- اخوان المسلمین

دیدگاه‌های سلفی‌ها در مصر و هراس آنان از شیعیان واضح و مبرهن است اما پرسش اینجاست چرا اخوان المسلمین به عنوان یک گروه معتدل و میانه‌رو در برابر اقدامات سلفی‌ها سکوت پیشه کرده و بعضاً با آنان همراه می‌شود؟ اخوان المسلمینی که برپایه اندیشه حسن البنا و محمد عبده تاسیس شد و نواندیشی دینی را برپایه وحدت اسلامی در پیش گرفت.

آنچه انگیزه سلفی‌ها را برای مقابله با شیعیان و حمله به تز وحدت بیشتر می‌کند، عدول برخی وحدت‌خواهان از جمله شیخ قرضاوی از دیدگاه‌های پیشین خود است. عبدالمنعم شحات سخنگوی دعوت سلفیه در این باره می‌گوید: «هر کسی که به تقریب با شیعیان فرا خواند، پشیمان شد که آخرین نمونه آن شیخ یوسف قرضاوی بود که اعتراف کرد تمامی تلاش‌های تقریبی شکست خورده و شیعیان از این روش به نفع خود استفاده کردند» [۹]

به هر حال به نظر می‌رسد، یکی از دلایل هراس سلفی‌ها از گسترش شیعه آن است که عقاید خشک و خرافی آنان نمی‌تواند در برابر اندیشه شیعه که مبتنی بر عقل و علم و دین است، مقاومت کند. همچنین سلفی‌ها از شیعه شدن مردم می‌ترسند زیرا بیم آن دارند که مردم از آنها فاصله بگیرند و به این ترتیب قدرت تاثیرگذاری

آنها بر مردم از بین برود و پایگاه اجتماعی خود را از دست بدهند. یکی از رهبران شیعه مصری در باره نگرانی سلفی‌های وهابی از مذهب تشیع چنین می‌گوید: «یکی از دلایل هراس از نشر فرهنگ حسین (ع) آن است که این فرهنگ حاکمان ظالمی را که برخی از سلفی‌ها اطاعت



به دهه هفتاد که با ابتدای دوران انور سادات همزمان است، بر می‌گردد. در ابتدای این دوره که روابط سادات و گروه‌های اسلامی اندکی بهبود یافت، رهبران اخوان از زندان‌ها خارج شده و به سمت عربستان مهاجرت کردند. در این دوره سلفی سعودی و وهابی تأثیر منفی زیادی بر اعضا و رهبران اخوان گذاشت و بسیاری از آن‌ها وارد فعالیت‌های اقتصادی در عربستان شدند و همین مسأله نقش سرنوشت‌ساز در سرعت بخشی به سلفی‌زدگی اخوان در دو سطح اجتماعی و تشکیلاتی در مصر ایفا نمود. این همزمان بود با کاهش نقش الازهر در عرصه دینی و افزایش نفوذ سعودی‌ها. نشانه‌های تأثیر وهابی در این دوره خود را در تأکید زیاد اخوان بر «مسائل فقهی وهابی» نظیر نقاب، گذاشتن ریش، حرمت ساخت کلیسا، پرداخت جزیه، کاهش تساهل و تسامح و نگاه بسیار منفی نسبت به موسیقی و هنر نشان داد. این تندروی سلفی‌ها تأثیرات منفی زیادی بر اندیشه اخوان و تشکیلات آنان بر جای گذاشت و اخوان از تعریف حسن البنا تا حد زیادی دور شد. در بعد اندیشه گرایش طردمحور و حذف‌محور بر این گروه غالب شد و حتی به عناصر اخوانی که گرایش‌های متفاوتی داشتند، با دید منفی نگریسته می‌شد. یا از منظر آنان الازهر اشعری مسلک، نماینده جریان منحرف دینی و نماینده تفکر هم‌پیمان با حاکمیت تلقی شد. حتی زمانی که انقلاب اسلامی ایران رخ داد اخوان توانست به دلیل گسترش تفکرات سلفی وهابیت آن گونه که باید و شاید با این حرکت عظیم

### دو پاسخ عمده می‌توان به این پرسش داد:

نخست آنکه اخوان المسلمین دیگر آن اخوان المسلمین حسن البنا نیست. اخوان المسلمین «سلفی‌زده» شده و سلفیت وهابی و سعودی درون اخوان به جریانی پویا و فعال که از بیشترین تأثیرگذاری برخوردار است، تبدیل شده است و همین امر منجر به تندروی بیشتر اخوان المسلمین شده و این گروه را به سمت فقدان اعطاف و فقدان تنوع داخلی سوق داده و به محافظه‌کاری در این جریان دامن زده است. اکنون اخوان از «مدارا محوری» به «سلفی‌گری» تغییر گفتمان داده و مانند سلفیه توجه به خلوص اعتقادی بر آن غلبه یافته است.

درست است که حسن البنا بنیان‌گذار اخوان المسلمین تأکید کرد که این گروه «دعوتی سلفی، طریقه‌ای سنی، حقیقتی صوفی و تشکلی سیاسی است...» اما آن سلفیه کجا و این سلفیه که اکنون بر اخوان حاکم شده است کجا؟ به گونه‌ای که آن سلفیه از مشاجره اعتقادی با کسانی که مذهب دیگری داشتند، اجتناب می‌ورزید و در آن زمان اخوان هیچ تمایلی به ورود به درگیری با شیخ و سایر فرق و مذاهب نداشت. اما اخوان به همین شکل باقی نماند و سلفیت وهابی توانست درون این گروه رخنه کند. تأثیر سلفی وهابی بر اخوان شامل چندین مرحله می‌شود. اولین آن به دهه پنجاه پس از درگیری با جمال عبدالناصر بر می‌گردد که بسیاری از رهبران اخوان فرار کرده و در کشورهای حاشیه خلیج فارس بویژه عربستان سعودی مستقر شدند. اما دوره دوم

کرد اما چنین نبود که بتواند بر آن سطره کامل یابد بلکه همچنین عده‌ای که به تفکرات حسن البنا پایبند بودند، به عنوان یک جریان نیرومند باقی ماندند- هر چند که در انتخابات داخلی اخوان در سال ۲۰۱۰ به حاشیه رفتند- این‌ها که به «اصلاح‌طلبان» معروف هستند مشی اعتدالی پیشه ساخته و به مخالفت با تفکرات افراطی سلفی‌ها پرداختند. برجسته‌ترین شخصیت‌های اصلاح‌طلب می‌توان به عصام عریان، محمد حبیب - که از عضویت دفتر ارشاد کنار گذاشته شد- و عبدالمنعم ابوالفتوح - که از اخوان کناره‌گیری نمود- اشاره کرد. البته در بدنه اجتماعی اخوان بویژه در میان جوانان، جریان اصلاح‌طلب نفوذ زیادی دارد. از این رو چنین نیست که اخوان همان سلفیه باشد بلکه همواره میان این دو جریان رقابت وجود داشته است.

با پیروزی اخوان در انتخابات اخیر مصر، سلفی‌ها احساس کردند باید از حالت رقابت خارج شده و به ائتلاف با اخوان بپردازند، به ویژه آن که



● ابو الفتوح و العریان از چهره‌های اصلاح‌طلب و میانه‌روی اخوان

اسلامی همراه شود. اما در بعد تشکیلاتی نتیجه آن شد که میان عناصر سلفی و قطبی (منسوب به سید قطب که افکار افراطی داشت و به تکفیر جامعه می‌پرداخت و معتقد بود که جامعه در جاهلیت به سر می‌برد) نوعی همکاری بوجود آمد.

روند قدرت‌یابی جریان قطبی (که به جریان محافظه‌کار نیز شناخته می‌شود) در تشکیلات اخوان ادامه یافت تا اینکه در انتخابات داخلی اخوان المسلمین در سال ۲۰۱۰، این گروه از سوی جریان «قطبی» عملاً روبرو شد. این پس از آن صورت گرفت که سه تن از اعضای این جریان و در رأس آن محمد بدیع مرشد کل کنونی و دو تن از معاونانش - یعنی «محمود عزت» معروف به مرد آهنین و جمعه‌امین (که یک جزوه درون گروهی به نام «به فقه توجه کن و از شرک پرهیز کن» درباره اخوان و شیعه نوشته است) - توانستند مهم‌ترین پایگاه‌های رهبری را از آن خود ساختند و سطره تشکیلاتی خود را بر رهبری این گروه را تحکیم بخشیدند. جریان قطبی نتیجه انشعاب فکری است که در سال ۱۹۶۵ در اخوان المسلمین رخ داد و منجر به ظهور گروهی شد که همچنان به افکار اصلی سید قطب ایمان داشتند. از جمله برجسته‌ترین اعضای قطبی که به جریان محافظه‌کار هم شناخته می‌شود، می‌توان به خیرت شاطر، محمود عزت، محمد بدیع، محمد مرسی رئیس‌جمهور کنونی و اکثر اعضای فعلی دفتر ارشاد اخوان المسلمین اشاره نمود.

[۱۱]

دوم اینکه درست است که سلفیه وهابی در اخوان نفوذ

برداری کنند، به ویژه آن که جامعه مصر معمولاً به این دو گروه به عنوان یک جریان می نگرد و تفاوت زیادی میان آن دو قائل نمی شود. این نگاه اخوان نتیجه بخش بود و موجب شد در کمیته تدوین قانون اساسی از طریق ائتلاف با سلفی‌ها اکثریت را به دست آورند. لذا به نظر می‌رسد شاید یکی از دلایلی که باعث شده است اخوان در مسأله نوع تعامل با شیعیان، همان روش سلفی‌ها را در پیش گرفته و یا دست کم سکوت کند، به نیاز این گروه به پایگاه اجتماعی سلفی‌ها بر می‌گردد که در رقابت با جریان‌های سکولار و مدنی دست برتر را به آنان می‌بخشد.

اینجاست که می‌توان به برخی امتیازاتی که اخوان المسلمین برای جلب رضایت سلفی‌ها به آنان داده است و دقیقاً به مسأله شیعیان ارتباط پیدا می‌کند، اشاره نمود. به عنوان مثال اخوان المسلمین فردی را وزیر اوقاف قرار داده است که مخالفان وی را به داشتن اندیشه‌های افراطی، سلفی و وهابی متهم می‌کنند به گونه‌ای که

موج گسترده‌ای از جریان‌ات لاییک مصر در برابر اسلامگرایان صف‌آرایی کرده بودند و شعار تغییر ماده دوم قانون اساسی را سر می‌دادند. با این حال این ائتلاف بیشتر انگیزه سیاسی داشته و اختلافات دو طرف در ابعاد اعتقادی و فقهی و رفتاری بویژه با طیف اصلاح طلب و معتدل اخوان همچنان پابرجاست. برای مثال سلفی‌ها بر این باورند که اخوانی‌ها - نه همه اخوانی‌ها بلکه جناح میانه‌رو و اصلاح طلب - مصلحت‌اندیش بوده و مبانی اسلام را فدای اهداف سیاسی می‌کنند. سلفی‌ها از دیرباز حسن‌البنار را زیر سوال برده و او را گمراه و گمراه کننده می‌خواندند. سلفی‌ها حتی سابقه درگیری با اخوانی‌ها را در پرونده خود دارند. به همین ترتیب اخوانی‌ها نیز سلفی‌ها را رقیب و بلکه مزاحم خود در عرصه اسلامگرایی می‌دانند و از رای بالای آنان در انتخابات پارلمانی سال گذشته نگران شدند.

در این میان اخوانی‌ها دارای سابقه سیاسی و کار سازمانی بیشتری هستند، اما سلفی‌ها فاقد تجربه سیاسی بوده و در نتیجه طرحی برای اسلام سیاسی در دست ندارند. بیشتر فعالیت‌های سلفی‌ها در مصر معطوف به تبلیغ و دعوت و امور فرهنگی و اجتماعی بوده است. اما در شرایط فعلی از طریق نزدیک شدن به اخوان و اعمال برخی تغییرات در گفتمان خود مخصوصاً درباره مسأله مشارکت سیاسی و انتخابات، مدعی حضور و کارآمدی در عرصه سیاسی هستند. در مقابل، اخوانی‌ها نیز تمایل دارند از پشتوانه دینی و اجتماعی سلفی‌ها در میان برخی از اقلشمار جامعه مصر، به نفع خود بهره



● آیا مرسی شیعیان را خطرناکتر از اسرائیل می‌داند؟



اظهارات یکی از شیوخ سلفی را که به نقل از مرسی گفت شیعه خطرناکتر از اسرائیل هستند و تمامی ماهواره‌های مصری این نقل قول را پخش کردند، انکار نمی‌کند؟

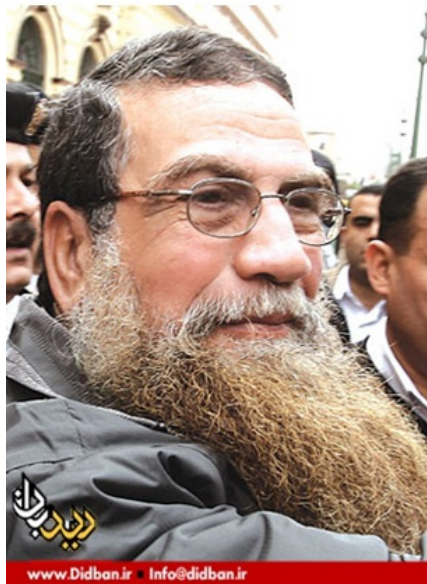
### ۳-۳- جماعت اسلامی

جماعت اسلامی یکی دیگر از جریان‌های اسلامی با پس‌زمینه‌های فکری سلفی است که از گسترش تشیع در مصر هراس دارد. این جریان که در دهه نود قرن گذشته دست به سلاح برد، از افکار پیشین خود دست کشید و بازنگری‌های گسترده انجام داد و در مجموع خشونت و تکفیر را کنار گذاشت. این جریان پس از انقلاب مصر در همایشی با حضور طرفدارانش برگزار کرد رسماً اعلام کرد که «حمله به هر گردشگر و تعدی به دارایی‌های مسیحیان با اسلام مخالف است». عبود الزمر رهبر جماعت اسلامی در این نشست خواستار عدم

وی برای مبارزه با عقیده پیروان دیگر مذاهب اسلامی تلاش می‌کند. صفوت حجازی از زمان روی کار آمدن تاکنون ۳ هزار مبلغ دینی تکفیری را به کار گرفته و برای تبلیغ اندیشه‌های وهابی به نقاط مختلف مصر اعزام کرده است. تعداد اندکی از این افراد در دانشگاه الأزهر که دانشگاهی معتدل است، تحصیل کرده‌اند. خود حجازی هم در الأزهر تحصیل نکرده است. گروه‌های صوفی و شیعیان معتقدند با حضور فردی مانند وزیر اوقاف فعلی، اسلام معتدل و میانه رو در مصر در معرض خطر قرار گرفته است. [۱۲]

با توضیحات فوق اکنون بهتر می‌توان متوجه شد که چرا رئیس‌جمهور در کنفرانسی حاضر می‌شود که بدترین توهین‌ها علیه شیعیان، ایران و حزب الله و سوریه می‌شود؟ و چرا نسبت به حملات تند شیوخ سلفیه در در نشست یاری سوریه که شیعیان را موجوداتی نجس دانستند، سکوت پیشه می‌کند؟ و یا اینکه چرا مرسی

● عبود الزمر: رهبر جماعت اسلامی



یک سری بازنگری‌های راهبردی در تفکر این گروه در قبال سایر مسلمانان و مسیحیان دارد.

این گروه معتقد است که نباید مسلمان را چه حاکم باشد چه محکوم تکفیر کرد و می‌گویند ما دُعات (تبلیغ‌کننده) هستیم نه قضاات و نه وُلّات (امیر و حاکم) که بخواهیم بر دیگران حد جاری کنیم. این گروه با عدول از تفکرات گذشته خود اکنون اعلام می‌دارد که باید در برخورد با مسلمانان فاسق و حتی غیرمسلمانان و با صالحان و غیرصالحان مدارا و میانه روی بیشتری داشته باشیم. این جریان همچنین خواستار برقراری ارتباط بیشتر با الازهر به عنوان ستون اسلام و نماد میانه‌روی و تکثر فقهی و فکری است. [۱۴]

علی‌رغم این دیدگاه‌های اعتدالی اما جماعت اسلامی نیز به مانند سایر سلفی‌ها درخواست برای جهاد در سوریه را ضروری می‌داند. این گروه همچنین نسبت به آمریکا و رژیم صهیونیستی بدبینی شدیدی دارد. همچنین با وجود این سخنان و مواضع معتدل رهبران جماعت اسلامی اما برخی از رهبران شیعی مصر معتقدند که همین گروه عامل جنایتی است که اخیراً علیه حسن شحاته و برخی دیگر از شیعیان مصری رخ داده است. اما بعید به نظر می‌رسد که جماعت اسلامی با توجه به مشی میانه‌روی که در پیش گرفته، دست به چنین اقدامی زده باشد. این گروه حتی پس از حادثه کشتار شیعیان بیانی‌های صادر و اعلام کرد که تعدی به هر شهروندی چه مسلمان سنی باشد چه شیعه یا مسیحی را قاطعانه رد می‌کند. در این بیانی‌ها آمده است: «هر چند

تکفیر هر مسلمانی چه حاکم و چه محکوم گردید. [۱۳] جماعت اسلامی هر چند دارای گرایش‌های سلفی است و در انتخابات پارلمانی اخیر حزب «توسعه و سازندگی» نماینده این جریان با سایر احزاب سلفی ائتلاف کرد، اما اختلافات مبنایی میان این جریان و سایر جریان‌های سلفی وجود دارد که مهم‌ترین آن به مسأله تکفیر و ارتباط با شیعیان و قطیان بر می‌گردد.

ناجح ابراهیم از رهبران بارز و ایدئولوگ این گروه نیز خواستار تغییر روش گروه شد به گونه‌ای که با اقتضانات و شرایط کنونی همخوان باشد. وی گفت: «اسلام مخالف آن است که به غیرهم‌کیشان خود تعدی کنیم و ما باید در دعوت به سوی خود زبان‌مان را عقیف گردانیم و دیگران را فاسق ندانیم و تکفیر نکنیم» و این دقیقاً بر خلاف مشی سلفی‌های افراطی است و نشان از



در مصر در اولین بیانیه رسمی خود که امضای ۲۱ تن از رهبران این گروه در مصر رسید، از پیروان مذهب اهل سنت در ایران و عراق خواستند تا عملیات‌های نظامی علیه دولت‌هایشان انجام دهند. آنها همچنین فتوا دادند که هر مسلمانی در مصر وظیفه دارد با برداشتن سلاح و یا کمک‌های مالی از گروه‌های سلفی جهادی که در سوریه مشغول نبرد هستند، حمایت کند. اینها همچنین با کافر دانستن نظام بشار اسد و طرفداران آن و ارتش سوریه، خواستار آغاز حملات جهادی علیه کسانی شدند که به اهل سنت و جماعت تعدی می‌کنند. رهبران جهادی مانند جماعت اسلامی و گروه اخوان المسلمین به دنبال تاسیس مجلس مشورتی جهادی در مصر هستند و قرار است بازنگری‌های فکری جدیدی انجام دهند که با دوره پس از انقلاب‌های عربی و به قدرت رسیدن «اخوان» همخوان باشد. [۱۶]

این گروه همچنین اعلام کرده است که نسبت به گسترش تشیع در مصر سکوت نخواهد کرد بلکه با تمام توان با برقراری



●● محمد الظواهري رهبر سلفی‌های جهادی مصر  
و برادر ایمن الظواهري رهبر القاعده



که ما در بسیاری از اعتقادات با شیعیان اختلاف داریم، اما این هرگز به معنای پذیرش قتل شیعیان به اتهام شیعه بودن نیست... هیچ فردی حق ندارد شهروندانی را که به لحاظ مذهبی با آنان اختلاف دارند، خارج از چارچوب قانون که دولت و دستگاه قضایی وظیفه اجرای آن را برعهده دارند، مجازات کند و این به مثابه نقض آشکار عدالت است». [۱۵]

### ۳-۴- سلفیه جهادی

سلفی‌های جهادی که تا پیش از بحران سوریه تیغ تیز حملات خود را اولاً متوجه غرب و آمریکا و ثانیاً متوجه نظام‌های عربی سرسپرده به غرب می‌کردند اکنون پس از بحران سوریه و با تحریک غرب و در رأس آن آمریکا و نیز عربستان و قطر (به مدد فتاواهای علمای وهابی) به دنبال آن هستند که دشمنان خود را تغییر داده و علیه دولت‌های شیعی و شیعیان عرب اعلام جنگ نمایند. اگر چنین بازنگری‌ای در گفتمان سلفی‌های جهادی بیافتد، پیامدهای بسیار منفی برای جهان اسلام به همراه خواهد داشت. در همین راستا رهبران سلفی‌های جهادی

## منابع و مأخذ:

- [۱] <http://www.valiasr-aj.com/fa/page.1564=php?bank=khabar=f1e&id>
- [۲] <http://fa.alalam.ir/news/1485864>
- [۳] <http://fa.alalam.ir/news/1485864>
- [۴] <http://arabi.assafir.com/article.asp?aid=4&refsite=arabi&reftype=articles&refzone=83=articles>
- [۵] <http://farhangiannews.ir/telex/398.html>
- [۶] <http://www.alraimedia.com/Article.aspx?id=28717>
- [۷] <http://www.alraimedia.com/Article.aspx?id=28717>
- [۸] [http://www.ahram.org.eg/2017/NewsPrint/20171127/NewsPrint/News..http://www.youm7.com/News.aspx?NewsID=1035981](http://www.ahram.org.eg/2017/NewsPrint/20171127/NewsPrint/News..http://www.youm7.com/News..http://www.youm7.com/News.aspx?NewsID=1035981)
- [۱۰] [http://burathanews.com/news\\_1076722\\_article.html](http://burathanews.com/news_1076722_article.html)
- [۱۱] [http://www.tayyar.org/tayyar/touch/vBB8AB0D3A=NewsDetails.aspx?\\_guid=D235237524527D-AFCA-4630-AFE0](http://www.tayyar.org/tayyar/touch/vBB8AB0D3A=NewsDetails.aspx?_guid=D235237524527D-AFCA-4630-AFE0)
- [۱۲] <http://www.irna.ir/127.html>
- [۱۳] <http://www.aljazeera.net/news/9fcb-fbab-49c8cddb-c191/pagesa442d42ffffv>
- [۱۴] <http://www.aljazeera.net/news/9fcb-fbab-49c8cddb-c191/pagesa442d42ffffv>
- [۱۵] <http://www.com/News.asp?Ne.youm7.http://www.com/News.asp?Ne.youm7.http://www.com/News.asp?Ne.youm7.http://www.com/News.asp?Ne.youm7.http://www.com/News.asp?Ne.youm7>
- [۱۶] <http://today.almasryalyoum.com/383949=aspx?ArticleID.article2>
- [۱۷] [http://www.y3arb.com/y3arb\\_t163/37016](http://www.y3arb.com/y3arb_t163/37016)

هر گونه رابطه با شیعیان ایران مبارزه خواهند کرد چرا که معتقدند شیعیان در گمراهی به سر می‌برند و علاوه بر این از نظام سوریه علیه اهل سنت دفاع می‌کنند. اینها می‌گویند حتی اگر اخوان المسلمین این مسائل را نادیده بگیرد اما ما نمی‌توانیم با دولت کافر!! ارتباط داشته باشیم. [۱۷]

## جمع‌بندی و پیشنهادات

- ۱- بدون تردید مهم‌ترین خطری که اکنون متوجه امت اسلامی است، خطر گروه‌های سلفی وهابی است که به تکفیر جامعه بویژه شیعیان می‌پردازند. دشمن نیز از این گروه‌ها در جهت ضربه‌زدن به امت اسلامی استفاده کرده و به اختلافات شیعه و سنی دامن می‌زند.
- ۲- تفکر سلفی‌گری تکفیری در مصر با حمایت‌های مالی سعودی روز به روز در حال گسترش است و حتی این تفکر درون اخوان که زمانی به اعتدال و میانه‌روی شناخته می‌شد، رسوخ کرده است.
- ۳- این جریان اعتقادی به وحدت شیعه و سنی ندارد و شیعیان را کافر می‌پندارد. بعید به نظر می‌رسد در مصر بتوان برای وحدت به جریان سلفی و حتی اخوانی‌های متأثر از سلفی‌گری و یا سلفی‌های جهادی امید بست، چرا که اینان اساساً اعتقادی به وحدت ندارند. اما جریان اصلاح‌طلب اخوان المسلمین و جماعت اسلامی ظرفیت‌های مناسبی برای برقراری وحدت دارند.
- ۴- سیاست‌گذاران جمهوری اسلامی نباید برای برقراری رابطه با مصر شتاب ورزند، چرا که هنوز بسیاری از مناسبات حاکم بر مصر همان مناسبات دوران مبارک و حتی از برخی جهات بدتر از آن دوران است. ایران باید با قوت از شیعیان مصر حمایت کرده و برای جلب رضایت اخوان نباید دست از آنان بکشد. به احتمال زیاد فشارها علیه شیعیان افزایش یابد و نباید اجازه داد که کشتار شیعیان بیگناه در این کشور ادامه یابد.
- ۵- سیاست‌گذاران جمهوری اسلامی برای جلوگیری از گسترش تفکر سلفیه باید بر ظرفیت‌های هر گروه‌های صوفی تمرکز نموده و مانع از آن شوند که تفکر وهابیت بیش از این در این نهاد میانه‌رو نفوذ کرده و آن را تحت سلطه خود در آورد.

## مصر در گرداب خشونت نگاهی به تحولات اخیر مصر

سازش و دادن امتیاز به رقبای مخالفان و ارتش وارد کرده و حاضر نیست کودتا علیه خود را به رسمیت بشناسد. اخوان اخیراً طرحی برای خروج از بحران کنونی ارائه کرد که با مخالفت جبهه مخالف نجات ملی روبه رو شد. طی این طرح باید به اراده ملت از طریق پایان بخشیدن به کودتای نظامی و بازگرداندن مشروعیت قانونی به رئیس جمهور، قانون اساسی و پارلمان احترام گذاشته شود و آنگاه مخالفان برای مذاکره درباره مسائل مورد مناقشه به گفتگو با رئیس جمهور منتخب پردازند.

اما مخالفان در واکنش به این طرح اعلام کردند که زمان هیچ گاه به عقب باز نخواهد گشت و مرسی دیگر هرگز رنگ کرسی ریاست جمهوری را نخواهد دید. حتی آنها فراتر از این رفته و اخوان المسلمین را مسئول خشونت و کشت و کشتار مردم مصر پس از انقلاب ۳۰ ژوئن دانستند. این موضع گیری مخالفان مرسی و متهم نمودن اخوان به خشونت در نوع خود عجیب است، چرا که به نظر می رسد مخالفان تلاش می کنند با در پیش گرفتن سیاست فرار به جلو اخوان را مسئول بی ثباتی و خشونت جاری در مصر معرفی کرده و مسئولیت حوادث خشونت بار اخیر را از خود و ارتش و پلیس سلب نمایند و این را به دستاویزی برای حذف کامل جریان اخوان از عرصه سیاسی در آینده تبدیل کنند. آنچه این سناریو را تقویت می کند بحث هایی است که پس از کودتای ارتش درباره قانون اساسی جدید در گرفته و طبق آن قرار است در قانون اساسی جدید تأسیس هر گونه حزب سیاسی دینی ممنوع شده و احزاب دینی که پس از انقلاب مصر تشکیل شده اند، منحل شوند.

**بحران مصر همچنان باقی است شروط اخوان برای آرام کردن طرفداران خود از یک سو و پافشاری ارتش و مخالفین مرسی بر عقب نشینی اخوان از سوی دیگر اوضاع را بسیار نا آرام کرده است.**

با برکناری محمد مرسی از سوی ارتش مصر، این کشور بار دیگر در گرداب خشونت و بی ثباتی سیاسی فرو رفته است. پس از کودتای ارتش که با پشتوانه مردمی نیز همراه بود، قاهره و بسیاری از شهرهای دیگر مصر شاهد تظاهرات های گسترده طرفداران مرسی و درگیری ها میان مخالفان و موافقان وی بوده است. تاکنون چندین حمله علیه حامیان مرسی از سوی ارتش، پلیس و آشوب گران صورت گرفته و به کشته و زخمی شدن صدها نفر انجامیده است. در این میان کشتار در مقابل گارد ریاست جمهوری و نیز کشته شدن چهار زن در شهر منصوره جنجال برانگیزترین این حوادث بوده که با واکنش های زیادی در داخل و خارج مصر روبه رو شده است.

### پافشاری رهبران اخوان المسلمین در بازگشت مشروعیت

رهبران اخوان المسلمین پس از سقوط مرسی نشان داده اند برای بازگرداندن وی به قدرت و آن چیزی که آن را «بازگشت مشروعیت» می نامند، جدی هستند. اخوان المسلمین که زمانی به عمل گرای و سازش با بازیگران رقیب و حتی دشمنان خود شناخته می شد، اکنون هر گونه

سکولار و حتی سلفی‌ها که پشت اخوان را خالی کرده و به صف مخالفان اخوان پیوستند - که عزم‌شان برای مقابله با اخوان و بدنام نمودن این گروه جدی است، باید منتظر تداوم درگیری‌ها بین طرفین و استمرار بی‌ثباتی و خشونت‌های مرگبار در مصر باشیم. حداقل دستاوردی که مقاومت اخوان علیه کودتاچیان می‌تواند داشته باشد، آن است که مانع از کنار گذاشته شدن کامل این جریان از سوی مخالفانش خواهد شد و مخالفان ناگزیرند که به اخوان به عنوان یک عنصر غیرقابل انکار در معادلات سیاسی آتی توجه نشان دهند.

### نامیدی دیر هنگام رهبران اخوان المسلمین از آمریکا

اکنون رهبران اخوان المسلمین از مقامات آمریکایی به دلیل سکوت و حتی تایید کودتا علیه دولت منتخب مرسى خشمگین و ناراحت هستند. در همین راستا عصام العریان معاون رئیس حزب آزادی و عدالت از طرفداران مرسى خواسته است با تجمع مقابل سفارت آمریکا سفیر این کشور را از مصر اخراج کنند. اگر اخوانی‌ها در روزهای قبل از کودتا و یا روزهای اولیه کودتا همچنان به مداخله آمریکا با هدف حمایت از دموکراسی چشم داشتند، اکنون بسیاری از آنها از مقامات آمریکایی ناامید شده و نسبت به ادعاها و شعارهای دموکراسی خواهانه مقامات آمریکایی بی‌اعتماد شده‌اند. متأسفانه رهبران اخوان المسلمین خیلی دیر هنگام به این نتیجه رسیدند و اخوان آن زمان که سیاست اعتماد به غرب و در رأس آن آمریکا

شاید اصرار رهبران اخوان در تداوم اعتراضات تا بازگشت مرسى به قدرت و رد کردن هرگونه درخواست برای پذیرش امر واقع شده و مخالفت با آماده نمودن خود برای شرکت در انتخابات‌های آتی و احتمالاً بازگشت مجدد به قدرت از طریق صندوق‌های، رأی از همین نگرانی و ترس نسبت به برخی تلاش‌ها برای حذف این جریان سرچشمه می‌گیرد؛ چرا که احتمالاً برآورد رهبران اخوان چنین است که چگونه می‌توان از نیروهای سکولار و لیبرال و نیز نظامیان که حضور قانونی اخوان المسلمین در قدرت را برناتفتند، انتظار داشت که اجازه بدهند اخوان بار دیگر از شیوه‌های دموکراتیک به قدرت برسد. رهبران اخوان اکنون به این باور رسیده‌اند که اگر با قدرت علیه کودتا تمام قد نایستند و برای بازگرداندن مرسى به قدرت تلاش نکنند، شاید در کوتاه مدت دیگر نتوانند به قدرت بازگردند.

علت دیگر مخالفت اخوان با هرگونه سازش آن است که رهبران اخوان تمامی فرصت‌ها و امتیازاتی که پس از تحمل ۸۰ سال رنج و سختی بدست آورده بود، به یکباره از دست رفته می‌بینند. ریاست جمهوری را که از دست داده‌اند، پارلمان هم که منحل شده، قانون اساسی را هم که با تلاش فراوان به تصویب رساندند، لغو شده می‌بینند، لذا گزینه‌ای جز مخالفت با شرایط موجود پیش روی خود نمی‌بینند. به هر حال اگر اخوان همچنان بر احقاق حقوق از دست رفته خود پافشاری کند، با توجه به لجاجت و خودسری طرف مقابل - یعنی ارتش و مخالفان لیبرال و

امنیتی وابسته به مبارک آشوب‌گران را برای سرکوب تظاهرات کنندگان اجیر کردند. به هر حال به نظر می‌رسد اکنون ارتش و مخالفان اخوان المسلمین در تلاشند تا از این گروه یک تهدید علیه امنیت ملی مصر بسازند و بدین ترتیب زمینه را اولاً برای بازگشت نیروهای امنیتی دوران مبارک و ثانیاً بازگشت مجدد عناصر وابسته به نظام سابق به قدرت و در نهایت سرکوب جریان اسلامی هموار سازند.

### جمع‌بندی

به نظر می‌رسد اکنون انقلاب مصر با چالش‌های دشواری رو به رو است و خطرات زیادی آن را تهدید می‌کند. از یک سو دولتمردان جدید همچنان برای جلب رضایت غرب و رژیم صهیونیستی و ارتجاع عرب به مانند دوران مبارک عمل می‌کنند و هیچ اقدام مثبتی برای قطع وابستگی از بیگانگان و نیل به استقلال که از آرمان‌های انقلاب مصر بود، انجام نمی‌دهند. از سوی دیگر تلاش‌های خطرناکی برای حذف اخوان المسلمین در دستور کار دولت جدید قرار دارد که این می‌تواند به تداوم بی‌ثباتی‌ها و خشونت‌ها کمک کند، چرا که اخوان جریان ریشه‌دار و باسابقه‌ای است که هرگونه تلاش برای حذف آن مصر را در گرداب خشونت فرو خواهد برد. علاوه بر این خطر بازگشت بازماندگان نظام سابق به قدرت و احیای ساختارهای قبلی از خطرات دیگری است که انقلاب این کشور را تهدید می‌کند.

را در دستور کار خود قرار داد، باید فکر چنین روزهایی را می‌کرد؛ چرا که آمریکا به راحتی به اسلام‌گرایان مصری پشت پا زد و از این اعتماد کاذب اسلام‌گرایان به خود سوء استفاده نمود و چهره آنها را در نزد مردم مصر تخریب کرد و در مقابل، هیچ کاری برای حمایت از آنها در برابر مخالفان سکولار و لیبرال انجام نداد.

### خطر بازگشت چهره‌های نظام مبارک به قدرت

اکنون پس از سرنگونی محمد مرسی متأسفانه شاهد آن هستیم که برخی از چهره‌های نامطلوب وابسته به نظام مبارک بار دیگر در حال بازگشت به عرصه سیاسی و به عهده گرفتن زمام امور در نهادهای مختلف دولتی هستند. حتی اخیراً اتهاماتی که علیه توفیق عکاشه و برخی دیگر از نزدیکان مبارک مطرح بود، رد شده است و حتی با شور و اشتیاق فراوان اعلام می‌شود که احمد شفیق آخرین نخست‌وزیر مبارک به زودی قرار است به کشور باز گردد گویی که قرار است به مصر بازگردد و انقلاب جدید این کشور را رهبری کند. به هر حال این خطری است که انقلاب مصر و آینده آن را به شدت تهدید می‌کند.

### خطر حاکم شدن حکومت پلیسی در مصر

پس از کودتا علیه مرسی، نشانه‌های بازگشت حکومت پلیسی دوران مبارک به مصر بار دیگر مشاهده می‌شود. نحوه برخورد خشونت‌بار پلیس با طرفداران مرسی و اجیر کردن آشوب‌گران و اغتشاش‌طلبان انسان را به یاد «واقعه شتر» در طول انقلاب مصر می‌اندازد که در آن نیروهای

# شخصیت محمدرسی ودوگانگی هایش

عبدالناصر با قرار گرفتن مصر به عنوان خط مقدم مقابله با اسرائیل همراه شد و این خود منجر به رهبری مصر در جهان عرب شد؛ زمانی که نامی از کشورهایی نظیر کویت، امارت متحده عربی، قطر و ... نبود؛ عربستان، عراق، اردن و سوریه تابع مصر بودند. غرب با درک این مسأله که مصر نقش مهمی در جهان عرب دارد؛ اهداف مشخصی را در مورد رهبران مصر در دستور کار خود قرار داد.

۱. تلاش برای روی کار آوردن حاکمانی غرب گرا و حافظ منافع آمریکا و اسرائیل.
۲. روی کار آمدن افرادی ضعیف و ناتوان برای ضعیف نگه داشتن کشور مصر.
۳. حذف مصر در رهبری جهان عرب با برجسته ساختن کشورهای دیگر نظیر عربستان و قطر.

پیگیری اهداف فوق به خوبی بعد از جمال عبدالناصر در مصر مشهود است. روی کار آمدن اشخاصی نظیر انور سادات و عقد قرارداد کمپ دیوید و به رسمیت شناختن اسرائیل و حضور حسنی مبارک در رأس قدرت بعد از دورانی که مصر به عنوان خط مقدم حمله به اسرائیل محسوب می شد از جمله نقاط جالب تاریخ است. از سوی دیگر از برنامه ای که اتاق فکرهای غربی برای هدایت رهبران مصر دارند نیز نباید غافل شد. برای نمونه در جریان انتخابات ریاست جمهوری مصر

مرسی کیست؟ این کلید بسیاری از سوالاتی است که می تواند رییس جمهور کنونی مصر را قابل تحلیل و ارزیابی بگرداند. در این متن سعی داریم آنچه در مورد او گفتنی است را مرور کنیم.

مشهور است کتاب ها در مصر نوشته می شوند، در لبنان چاپ می شوند و در عراق عمل می شوند. بی شک کشور مصر را می توان رهبر اندیشه ای جهان عرب دانست. مصر از زمانی که فتح و وارد امت اسلامی شد تا به امروز همواره نقش مهم و بسزایی را ایفا کرده است. در قرون اخیر، ظهور شخصیت های مهم و بارز در احیای تفکر و تمدن اسلامی نیز در این سرزمین بوده است. شخصیت هایی نظیر محمد عبده، رشید رضا، سید قطب، عبدالرحمن الکوکی برای نضج، رشد و توسعه اندیشه های اسلامی معاصر در جهان اسلام تلاش های فراوانی داشته اند و مصر اولین پایگاه آنان بوده است. چرا که مصر اولین سرزمین اسلامی بود که با تمدن غرب و اندیشه های غربی آشنا شد و تلاش داشت تا نسبت بین اسلام و غرب را دریابد. از این رو مصر نزدیک به یک قرن از تمامی کشورهای اسلامی در این خصوص مقدم بوده است.

گذشته از بحث تطورات اندیشه ای و غرب شناسی، تحولات سیاسی مصر نیز تأثیرات مهمی بر جهان اسلام و جهان عرب بر جای گذاشت. ظهور جمال

در سال ۱۹۵۱ به دنیا آمد. پدرش کشاورز و مادرش خانه دار بود. از این رو باید توجه داشت که مرسی در خانواده ای کاملا ساده و روستایی، با حداقل امکانات، در محیطی کوچک و شهری حاشیه ای رشد یافت. حتی مرسی بر پشت الاغ می نشست و به مدرسه می رفته است.

مرسی دارای دو برادر و سه خواهر بود و او فرزند بزرگ آن خانواده محسوب می شد. محمد مرسی در سال ۱۹۷۸ با دختری با گرایش های اسلامی ازدواج کرد و تشکیل خانواده داد. وی دارای پنج فرزند به نام های احمد، شیماء، آسامه، عمر و عبدالله می باشد

## ۲) تحصیلات

محمد مرسی دوران کودکی و تحصیلات ابتدایی را در شهر کوچک خود یعنی شهر زقازیق گذارند و سپس برای ادامه ی تحصیل در رشته مهندسی، رهسپار شهر قاهره پایتخت مصر شد. او توانست در تاریخ ۱۹۷۲ یعنی در سن ۲۲ سالگی در رشته ی مهندسی از دانشگاه قاهره فارغ التحصیل مدرک کارشناسی شود. پس از مقطع کارشناسی وی تحصیلات خود را ادامه دارد و توانست با قبولی در رشته مهندسی فلزات و معادن دانشگاه قاهره، مدرک کارشناسی ارشد این رشته را اخذ کند. بعد از آن برای تکمیل دوران تحصیل و اخذ مدرک دکتری عازم کالیفرنای آمریکا شد و بعد از اتمام

بعد از انقلاب این کشور، غرب بین دو مهره غرب گرا یعنی احمد شفیق و نیروی ناتوان اسلام گرا مانند محمد مرسی مختار بود که به دلایل شرایط انقلابی مصر مجبور شد محمد مرسی را بپذیرد اما بی شک احمد شفیق به عنوان بهترین گزینه برای آمریکا و اسرائیل مطرح بود. از این منظر اینکه چه کسی بر مصر حکومت می کند؟ چگونه و به چه هدفی فکر می کند؟ چه گرایش سیاسی داشته و به کدام حزب تعلق خاطر دارد؟ مهم بوده و باید نگاهی تحلیلی به این نکات داشت.

مصر بعد از طغیان در برابر حسنی مبارک، باید کسی را برای به ساحل رساندن این جامعه طوفانی انتخاب می کرد. باید قبول کرد که مدیریت جامعه انقلابی همواره مشکل بوده و عموما دولت های بعد از انقلاب از عهده کامل این کار بر نمی آیند. اما محمد مرسی رئیس جمهور مصر شد. او کیست؟ چه تحصیلاتی دارد؟ چه گرایش های سیاسی دارد؟ تا کنون چه مسئولیت هایی داشته؟ چگونه می اندیشد؟ چه اهداف و آرمان هایی دارد؟ پاسخ تمامی این سؤالات مطرح شده در گرو شخصیت شناسی محمد مرسی است.

## ۲. مرسی قبل از ریاست جمهوری

### ۱) خانواده

محمد محمد مرسی عیسی العیاط در یکی از روستاها به نام (العدوه) در شهر زقازیق از استان شرقیه مصر

### ۳) گرایش های سیاسی

محمد مرسی تجربه سیاسی خود را به صورت عملی در انتخابات مجلس الشعب مصر آغاز نمود. اولین بروز سیاسی وی در کسوت نمایندگی مجلس الشعب بود. وی به عنوان یکی از اعضای لیست حزب عدالت و توسعه برای انتخابات مجلس شعب از سوی این حزب پیشنهاد شد. این حزب سیاسی از احزاب نزدیک به اخوان المسلمین مصر است. با ورود مرسی در سال ۲۰۰۰ به مجلس الشعب، وی تبدیل به یکی از اعضای برجسته و فعال این مجلس شد، تا جایی که به عنوان سخنگوی فراکسیون احزاب اسلام گرای مجلس الشعب انتخاب شد. داشتن سمت

سخنگویی فراکسیون مجلس الشعب باعث شد تا در نزد افکار عمومی شناخته شده و دارای پایگاه باشد. پایگاهی که بعدها در رقابت انتخاباتی بین او و احمد شفیق به کمک او شتافت. بعد از انقلاب مصر، وی از سوی اخوان المسلمین به عنوان جانشین نامزد اصلی اخوان المسلمین یعنی خیرات الشاطر انتخاب شد.

جالب اینکه مرسی در انتخابات ۲۰۰۵ مجلس الشعب در دور اول نتوانست وارد مجلس شود اما در انتخابات میان دوره ای مجلس به مجلس راه یافت و جایگاه خود را در پارلمان مصر تقویت کرد. نکته اینکه در این انتخابات نظام حسنی مبارک نسبت به ورود شخصیت های اسلام گرا

دوران تحصیل و گذراندن دوران سربازی در مصر، به عنوان استاد همکار در دانشگاه کالیفرنیا آمریکا و پس از آن به عنوان استاد دانشگاه زقازیق در رشته مهندسی و رئیس دانشکده مهندسی مشغول به کار شد.

همکاری با دانشگاه کالیفرنیا جنوبی به عنوان استاد همکار باعث سفرهای متعدد مرسی به آمریکا شد. در خلال سال های ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۵ وی بیشترین سفر را به آمریکا داشته است. دو فرزند از پنج فرزند مرسی در آمریکا به دنیا آمده و تابعیت آمریکایی دارند. بعد از آن با ورود به دانشگاه فلزات و معدن زقازیق سمت استادی و سپس سمت ریاست دانشکده را تا سال ۲۰۱۰ را بر عهده داشت. مرسی در دانشگاه های قاهره، زقازیق، کالیفرنیا جنوبی آمریکا، فاتح لیبی تدریس داشته است و از او ده ها مقاله در خصوص مهندسی فلزات و معادن منتشر شده است.

از این رو باید توجه داشت که وی کاملاً از فضای مهندسی و فنی وارد سیاست شده است و گرایشات مذهبی او بیشتر ناشی از فضای خانوادگی او بوده نه از روی تخصص یا مطالعات در این زمینه. همواره شخصیت هایی که ذهن مهندسی دارند و با این رویکرد وارد عالم سیاست می شوند، به سمت تکنوکرات شدن پیش می روند. مهندس بازرگان نخست وزیر دولت موقت بعد از انقلاب سال ۵۷ ایران نمونه کاملی از این گزاره است.



مرسی در سال ۲۰۰۴ در تأسیس جبهه ملی تغییر شرکت جست و در این جبهه عضو شد و به همکاری با دکتر عزیز صدقی از چهره های ملی گرای مصر پرداخت. او همچنین در جمعیت ملی تغییر که توسط دکتر محمد البرادعی در سال ۲۰۱۰ تشکیل شد مشارکت جست و در مراسم سوگند دموکراسی برای مصر که بیش از ۴۰ حزب و گروه سیاسی مصر در این مراسم و کنگره شرکت داشته اند فعالیت داشت. توجه به سیر گرایش های سیاسی مرسی نشان می دهد که وی ثبات سیاسی نداشته و بیشتر یک سیر سیاسی را از اسلام گرایی به سمت ملی گرایی طی کرده است.

مجلس شورای جمعیت اخوان المسلمین نیز در سال ۲۰۱۱ مرسی را به عنوان رئیس حزب آزادی و عدالت برگزید و عصام العریان را نیز به عنوان جانشین وی و محمد سعد الکتانی را به عنوان دبیرکل این حزب انتخاب نمود. به عبارت دیگر حزب عدالت و توسعه نمادی از مدرن شدن تفکر اخوان المسلمین و الگو برداری از مدل حزب عدالت و توسعه در ترکیه بود. این جمعیت خود را برای تصاحب نرم مناصب قدرت آماده کرده بود اما انقلاب مصر ناگاه آنان را وارد عرصه اجرایی کشور کرد. عرصه ای که چندان برای آن آمادگی نداشتند. این عدم آمادگی بعد از به قدرت رسیدن مرسی خود را بیشتر نشان داد. مهمترین مشکل این حزب، بر عکس حزب عدالت و توسعه ترکیه،

به پارلمان حساس شده و مانع از حضور آنان در پارلمان می شد. مرسی نیز از جمله شخصیت هایی بود که نظام حسنی مبارک چندان مایل به حضور او در مجلس الشعب مصر نبود.

در کنار فعالیت های نمایندگی، او عضو جبهه (مقاومت در برابر اسرائیل) در شهر زقازیق استان الشرقیه مصر شد. وی همچنین عضویت در کنگره بین المللی احزاب و نیروهای سیاسی ملی را نیز پذیرفت. از این رو ریشه های گرایش ضد صهیونیستی مرسی را باید در سال های قبل از ریاست جمهوری و زمانی که وی به عنوان یک فعال سیاسی مطرح بوده جست و جو نمود. البته آرمانی که ظاهراً هنوز نتوانسته خود را به واقعیت های جامعه مصر بقبولاند.

تاریخ دقیق پیوستن مرسی به جمعیت اخوان المسلمین را سال ۱۹۷۷ یعنی زمانی که وی ۲۶ سال داشته ذکر کرده اند. وی بعد از پیوستن به این جرگه، به جمعیت تنظیم اساس نامه اخوان المسلمین در سال ۱۹۷۹ پیوست. پس از آن در سال ۱۹۹۲ به عنوان یکی از چهره های فعال سیاسی جمعیت اخوان المسلمین مطرح شد. بعد از آن بود که از سوی جمعیت اخوان المسلمین در سال های ۱۹۹۵ و ۲۰۰۰ به عنوان یکی از اعضای لیست پیشنهادی مجلس الشعب انتخاب شد و پس از پیروزی در ورود به مجلس الشعب توانست عنوان سخنگوی فراکسیون پارلمانی اخوان المسلمین انتخاب شود.

نداشتن کوچکترین سابقه اجرایی در امور کشور بود. این مسئله زمانی بهتر درک خواهد شد که بدانیم کابینه ای که نخست وزیر مرسی برای تشکیل دولت در کنار هم جمع کرد به شدت ائتلافی بود و همه گروه های سیاسی مصر اعم از اسلام گرایان، غرب گرایان، ملی گرایان و حتی برخی از اعضای رژیم سابق را نیز شامل شده است. مرسی بارها توسط نظام مبارک دستگیر و زندانی شد و دوران محکومیت وی در سال ۲۰۰۶ تمام شد. اما مجدداً در روز جمعه ی خشم در ۲۰۱۱ همراه با ۳۴ تن از رهبران جمعیت اخوان المسلمین دستگیر شد تا در تظاهرات جمعه غضب حضور نداشته باشند. جالب اینکه تا مدت ها بعد از ریاست جمهوری مرسی، نام وی جزو افراد ممنوع الخروج در دوران حسنی مبارک بود.

همزمان با انتخابات ریاست جمهوری مصر بعد از سقوط حسنی مبارک، جمعیت اخوان المسلمین مهندس خیرات الشاطر را به عنوان نامزد این حزب انتخاب نمود اما به دلیل احتمال رد صلاحیت خیرات الشاطر به عنوان کاندیدای اصلی جمعیت اخوان المسلمین، محمد مرسی به عنوان گزینه احتمالی و جانشین خیرات الشاطر از سوی جمعیت اخوان المسلمین در نظر گرفته شد.

### ۳. مرسی در قامت ریاست جمهوری:

بالاخره در رقابتی نفس گیر با احمد شفیق، مرسی

توانست منصب ریاست جمهوری را تصاحب کند. اما این شروع دردسرهای تازه برای مرسی بود. حکومت بر جامعه ای طوفان زده! جامعه مصر با انواع و اقسام مشکلات روبه رو است که قابل شمارش نیست. مشکلاتی اعم از اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، نظامی و ... اما علاوه بر مشکلاتی که ناشی از جامعه طوفان زده مصر است، برخی از مسائل جامعه مصر به شخص مرسی و تصمیمات او بازمی گردد. مرسی در دوگانگی هایی افتاده که نمی تواند آنها را مدیریت کند.

برکناری محمد حسین طنطاوی فرمانده ارتش مصر، فرمان تشکیل پارلمان بعد از انحلال آن توسط شورای نظامی مصر و عقب نشینی مجدد از این فرمان، فرستادن سفیر به اسرائیل، تلاش برای میانجیگری در مسأله فلسطین، شرکت در جنبش عدم تعهد در تهران، تاختن به نظام سوریه و بشار اسد، سکوت در مورد بحرین، برکناری قضاات دادگاه عالی مصر و عقب نشینی دوباره از این فرمان، داستان ساختگی ازدواجش با حیفاء مرعی، درگیری نظامی در شبه جزیره سیناء، اعطای نشان لیاقت به خانواده انور سادات، تلاش برای اتخاذ موضع ضد آمریکایی و مسأله تابعیت آمریکایی دو فرزند او و ... تمامی این موارد تنها بخشی از حوادث، اتفاقات و موضع گیری هایی بود که از زمانی که مرسی قدرت را در مصر به دست گرفت، در صدر اخبار مصر و جهان قرار داشت.

برود، به شدت مورد انتقاد گروه های سلفی مصر قرار می گیرد. همانطور که در خبرها آمده بود یک جوان سلفی قصد ترور مرسی را در اسکندریه داشت. و از طرف دیگر گرایش او به سمت اسلام گراها بهانه را به دست نیروها و جریان های ملی گرا و غرب گرا می دهد که او را شخصیتی متعصب نشان داده و معرفی کنند.

۲. دوگانگی دیگر مرسی در عرصه سیاست خارجی مصر است. بالاخره فلسطین مسأله اول مصر هست یا نیست؟ او از یک سو تلاش می کند تا برای حل مسأله فلسطین به عنوان میانجی بین گروه های فلسطینی حاضر شود و از سوی دیگر به اسرائیل سفیر می فرستد و با این کشور ارتباط دیپلماتیک دارد.

۳. دوگانگی مرسی در رابطه با اسرائیل به همین جا ختم نمی شود، مرسی نمی داند با معضل اسرائیل چه کند، او از یک سو نسبت به کشته شدگان صحرای سینا واکنش شدید نشان می دهد و خلاف قرارداد کمپ دیوید در آنجا حضور نظامی پیدا می کند و این قرارداد را نقض می کند و هم به خانواده انور سادات یعنی همان کسی که قرارداد کمپ دیوید را با اسرائیل منعقد کرده نشان لیاقت اعطاء می کند!  
یا از یک سو در اجلاس سران غیرمتعهدها از

اتفاقات و حوادثی هر چند از یک جامعه طوفان زده و انقلابی همچون مصر انتظار می رفت اما در ورای این حوادث و اخبار نوعی دوگانگی وجود دارد که ناشی از شخصیت و روش تصمیم گیری مرسی است. او از یک سو باید جامعه انقلابی مصر را مدیریت کند و تلاش نمایند تا وجهه انقلابی خود را به عنوان اولین رئیس جمهور بعد از انقلاب بزرگ مصر حفظ کند و از سوی دیگر تلاش نماید تا جامعه مصر را از بسیاری از مشکلات نجات دهد. مشکلاتی که اگر مدیریت نشوند دیر یا زود مصر را آماده انقلابی دیگر می کند. شاهد این حرف درگیری بود که چند روز پیش بین مخالفان و موافقان مرسی در گرفت. مرسی شخصی است که توان تصمیم سازی و تصمیم گیری در دوگانگی های پیش آمده ندارد. این یعنی روی کار آمدن مهره ای ناتوان در مصر. دوگانگی هایی که مرسی در آن گرفتار آمده:

۱. دوگانگی اول، دوگانه ملی گرایی یا اسلام گرایی است. مرسی نه می تواند از علقه های اسلام گرایی دست بردارد، چرا که او چه بخواهد و چه نخواهد به عنوان فردی از شاخه اخوان المسلمین معرفی شده است و به نوعی وامدار این جریان است و از طرف دیگر در سطح جامعه مصر و بین المللی تلاش دارد تا خود را فردی ملی گرا و به دور از تعصب نشان دهد. او اگر به سمت ملی گرایی پیش

مرسی به عزل و نصب دادگاه عالی مصر باز می گردد. مرسی تلاش داشت تا بقایای رژیم حسنی مبارک را در دادگاه عالی مصر از بین ببرد. از این رو بسیاری از قضات برجسته این دادگاه را برکنار کرد اما چندی بعد از این تصمیم خود منصرف شد و آنان را دوباره منصوب کرد.

۸. مرسی هر چند در شعارهای انتخاباتی خود مواضع ضد استکباری فراونی داشت اما دو فرزند او دارای تابعیت آمریکایی هستند و این نکته تبدیل به معضلی برای مرسی شده است.

### جمع بندی

زندگی، تحصیلات، تخصص، گرایش ها و فعالیت های سیاسی محمد مرسی به خوبی نشان می دهد که مرسی فرد میانه رو و محتاطی است که بعضا برش لازم را در سیاست ندارد و وی در دوگانگی هایی گرفتار آمده که هر چند در جامعه طوفان زده ی مصر طبیعی است اما او به تنهایی مرد تصمیم گیری های سخت نیست! لازم است در این میانه، بزرگان اخوان المسلمین و مردم انقلابی مصر دست در دست هم به او کمک کنند تا او بتواند مصر را از گردنه های سخت عبور دهد.

سیاست های اسرائیل انتقاد می کند و از سوی دیگر برای پرز نامه می نویسد و خود را دوست وفادار پرز می خواند

۴. مرسی جنگ و خونریزی و ریخته شدن خون بی گناه در سوریه را محکوم می کند اما در مورد بحرین نه تنها سکوت می کند بلکه با حمایت از نظام ظالم بحرین پشتیبانی خود را از این نظام نشان می دهد.

۵. مرسی از یک سو نسبت به ارتباط با ایران ابراز علاقه می کند اما در عمل هیچ گامی برای از سر گیری روابط با تهران بر نمی دارد و بحران سوریه را بهانه این امر قرار می دهد در صورتی که روابط دیپلماتیک بین دو کشور بهتر می تواند بحران سوریه را حل کند

۶. دوگانگی های مرسی تنها محدود به سیاست خارجی دولت او نیست. در تصمیمات سیاست داخلی مرسی نیز دوگانگی های فراوان و متعدد دیده می شود. او بعد از رسیدن به ریاست جمهوری، انحلال مجلس الشعب از سوی شورای نظامی را نادرست بر شمرد و دستور تشکیل دوباره این مجلس را داد اما چندی بعد، از این تصمیم خود منصرف شد و انحلال مجلس الشعب را اعلام کرد.

۷. دوگانه ی دیگر در تصمیم گیری های داخلی

[www.Didban.ir](http://www.Didban.ir)

[www.Didban.ir](http://www.Didban.ir)

[www.Didban.ir](http://www.Didban.ir)

www.didban.ir

| www.didban.ir